مجله برنامه و بودجه، شمارهٔ ۲۱، ص. ۹۵-۹۹.

گزارش

ایران و توسعه انسانی

احمد داودی

سالهاست که مقولات توسعه و رشد اقتصادی فکر و ذهن علما و اندیشمندان علوم اقتصادی و اجتماعی و نیز مسئولان جوامع مختلف را به خود مشغول نموده است. در این میان دو نکته مهم، بیش از همه، حایز اهمیت و درخور تعمق و تفکر است:

- رابطه یا اثر متقابل رشد توسعه بر یکدیگر.
- تأثیر هر کدام یا هر دو بر کیفیت زندگی اجتماعی و زیست انسانها.

به دنبال این تفکرات، از سال ۱۹۹۰ میلادی، برنامه توسعه ملل متحد، به همت آقای محبوب‌الحق و همکارانش، مجموعه‌ای از آمارهای اقتصادی و اجتماعی کشورهای جهان را به طریقی گردآوری و دسته‌بندی و مقایسه می‌نمایند که مهمترین هدف آن سنجش میزان پیشرفت در کیفیت زیست انسانهای جوامع با سطوح و پیشرفتهای مختلف اقتصادی و اجتماعی است. در حقیقت، *گزارش توسعه انسانی*، نشان می‌دهد که هر کشور، به رغم شاخصهای صرفاً اقتصادی خود، چگونه بر کیفیت زندگی افراد اثر گذاشته و مردم چه سود و زیانی از عملکردها و تحولات اقتصادی یافته‌اند. این بررسی و مقایسه با محاسبه و استفاده از شاخصی به نام شاخص توسعه انسانی[1] صورت می‌گیرد.

1. Human Development Index = HDI

برای آشنایی بیشتر با این شاخص، به گزارشهای سالانه برنامه توسعه ملل متحد مراجعه نمایید.

ما در این مقاله به بررسی موقعیت و تغییرات شاخص توسعه انسانی و برخی شاخصهای دیگر کشور خودمان که در سالهای گذشته در این گزارش منعکس شده است و مقایسه آن با سایر کشورها می‌پردازیم.

۱. شاخص توسعه انسانی ایران

این شاخص که شاخص اصلی گزارشهای توسعه انسانی است، از ترکیب موزون امید به زندگی در زمان تولد، درصد باسوادی بزرگسالان، نرخ ترکیبی ثبت نام ابتدایی و دوره دوم و محصول ناخالص داخلی سرانه واقعی (قدرت خرید:ppp) حاصل می‌شود و تغییرات آن در ایران، به ترتیب زیر است:

سال	شاخص توسعه‌انسانی	رتبه ایران
۱۹۶۰	۰/۳۰۶	
۱۹۷۰	۰/۴۰۶	
۱۹۸۰	۰/۴۹۷	
۱۹۸۹		۹۰
۱۹۹۰	۰/۵۴۷	۱۰۳
۱۹۹۱	۰/۵۸۶	۸۶
۱۹۹۲	۰/۶۷۲	
۱۹۹۳	۰/۷۵۴	۶۶

به طوری که می‌بینید، در دوره طولانی مدت ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۳، شاخص توسعه انسانی ایران، به طور متوسط، سالانه ۲/۷۸ درصد افزایش یافته و در دوره سالهای پس از انقلاب اسلامی (۱۹۸۰ تا ۱۹۹۳) سالانه ۳/۲۶ درصد افزایش داشته است. به بیان دیگر، در بین سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۲، کیفیت زندگی مردم در ایران بیش از ۱/۵ برابر ارتقا یافته یا ۵۱/۷ درصد بهبود یافته است. رتبه یا رده ایران از حیث این شاخص در بین کشورهای جهان هم از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳، پس از تغییراتی چند، از رده ۹۰ به رده ۶۶ ارتقا یافته است.

۲. محصول ناخالص داخلی سرانه

این شاخص که با استفاده از محاسبات بانک جهانی به صورت شاخص قدرت خرید (ppp) نشان داده می‌شود، از ۳۳۰۰ دلار در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹) به ۵۳۸۰ دلار در سال ۱۹۹۳ (۱۳۷۲) رسیده که نشان دهنده ۶۳ درصد افزایش و رشد متوسط سالانه ۱۷/۷ درصد می‌باشد. با توجه به نحوه و روش محاسبه شاخص توسعه انسانی، به نظر می‌رسد که افزایش شاخص قدرت خرید محصول ناخالص داخلی سرانه، نقش مؤثری در ارتقای سریع شاخص توسعه انسانی ایران در سالهای اخیر داشته است، اما هنوز مقداری کمتر از میانگین محصول ناخالص داخلی سرانه جمعیت کل جهان است.

۳. امید به زندگی (در زمان تولد)

این شاخص که معمولاً نشانه ترکیبی و تلفیقی از کیفیت زندگی، سطح بهداشت و درمان، تغذیه و امنیت است، ضمن بهبود، بیش از سایر شاخصهای ایران به شاخص کشورهای پیشرفته و صنعتی نزدیک شده است.

۴. شاخص تحصیل

این شاخص که ترکیبی است از نرخ باسوادی بزرگسالان (با ضریب ۲) و نرخ ثبت نام در مقطع ابتدایی و میانی (با ضریب ۱) طی چهار سال مذکور، بهبود چشمگیری کرده و نزدیک به دو برابر شده است. این پیشرفت، یکی از سریعترین روندهای رشد این شاخص در بین کشورهای جهان است.

۵. مصرف سرانه کالری

این شاخص، ضمن کاهش طی سالهای اخیر، همچنان از میانگین کشورهای در حال توسعه و نیز میزان استاندارد کالری سرانه موردنیاز بالاتر است.

۶. مصرف سرانه انرژی و کارایی انرژی

مصرف سرانه انرژی ایران در *گزارش توسعه انسانی*، طی چهار سال مورد مقایسه، ۲۱ درصد

افزایش یافته (سالانه به طور میانگین ۶/۶ درصد) در نتیجه، هم اکنون این شاخص در حدود دو برابر میانگین کشورهای در حال توسعه است.

شاخص شدت انرژی (که در واقع، میزان مصرف انرژی به ازای تولید اقتصادی را نشان می‌دهد) در این گزارش، طی سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۲، افزایشی تا حدود دو برابر داشته است، و در حقیقت، منعکس‌کننده سقوط شدید کارایی اقتصادی انرژی در کشور ما طی این دوره می‌باشد.

البته با استفاده از آمار مراجع و منابع داخلی در این زمینه، مشاهده می‌کنیم که طی این مدت، روند این شاخص، ۱۳ درصد کاهش بهره‌وری انرژی را نشان می‌دهد که ضمن توجه به مغایرت فاحش این دو آمار، لازم است برای توقف روند کاهش و اصلاح بهره‌وری انرژی در کشور اقدامات فوری و اساسی به عمل آورد.

چند نتیجه گیری و پیشنهاد

۱. تقابل شدیدی بین توسعه انسانی و درآمد سرانه وجود دارد. موارد زیادی از شاخص توسعه انسانی پایین و درآمد سرانه بالا و همچنین درآمد سرانه پایین و شاخص توسعه انسانی بالا به چشم می‌خورد.

۲. از مطالعه، بررسی و مقایسه گزارشهای منتشر شده توسعه انسانی می‌توان نتیجه گیری کرد که پیشرفت کوتاه‌مدت در توسعه انسانی امکان دارد، اما تداوم آن بدون رشد ممکن نیست، و برعکس، رشد اقتصادی بدون توسعه انسانی دوامی نخواهد داشت.

۳. پیام اصلی گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۶ این است که رابطه خود به خودی (اتوماتیک) بین رشد اقتصادی و توسعه انسانی وجود ندارد. اما تنها در صورت اتخاذ سیاستهای مقتضی توسط دولتها (مانند توسعه آموزش و پرورش و بهداشت و درمان، کاهش نابرابریهای اجتماعی و مانند اینها) این دو، یکدیگر را تقویت کرده و رشد اقتصادی، توسعه انسانی را به طور مؤثر و سریعی گسترش می‌دهد و خود تداوم می‌یابد.

۴. برخی از آمارهای مربوط به ایران، که در *گزارش توسعه انسانی* آمده، غیر دقیق و احتمالاً اشتباه می‌باشند، با توجه به اینکه این مجموعه هم یک مجموعه مقایسه‌ای بسیار خوب و مفید است و هم در همه کشورهای جهان منتشر می‌شود و پژوهشگران آن را مطالعه و بررسی می‌نمایند،

لازم است نهادهایی از قبیل سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ارائه آمارهای دقیق و درست به برنامه توسعه ملل متحد را به طور جدی موردنظر قرار دهند و ضمناً نواقص آماری مربوط به ایران، از قبیل تفاوتهای شهر و روستا، زن و مرد و طبقات اجتماعی را رفع نمایند.

۵. پیشنهاد می‌شود که سازمان برنامه و بودجه، برای محاسبه شاخص توسعه انسانی در داخل ایران و برای مناطق شهری و روستایی، شهرهای بزرگ و سایر مناطق اقدام نماید. این اقدام، ضمن دقت بخشیدن بیشتر به آمارهای مورداستفاده برای ایران، تصویر روشنی از وضعیت داخلی و تفاوتهای موجود در داخل کشور به دست می‌دهد و مسئولان و برنامه‌ریزان را برای اتخاذ سیاستها و برنامه‌های اجرایی میان‌مدت و درازمدت با هدف استقرار جامعه‌ای پیشرفته، توسعه یافته و نمونه یاری خواهد کرد.

منتشر می‌شود

فنون پیش بینی
در
برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای

نویسندگان: برایان فیلد
برایان مک‌گرگور
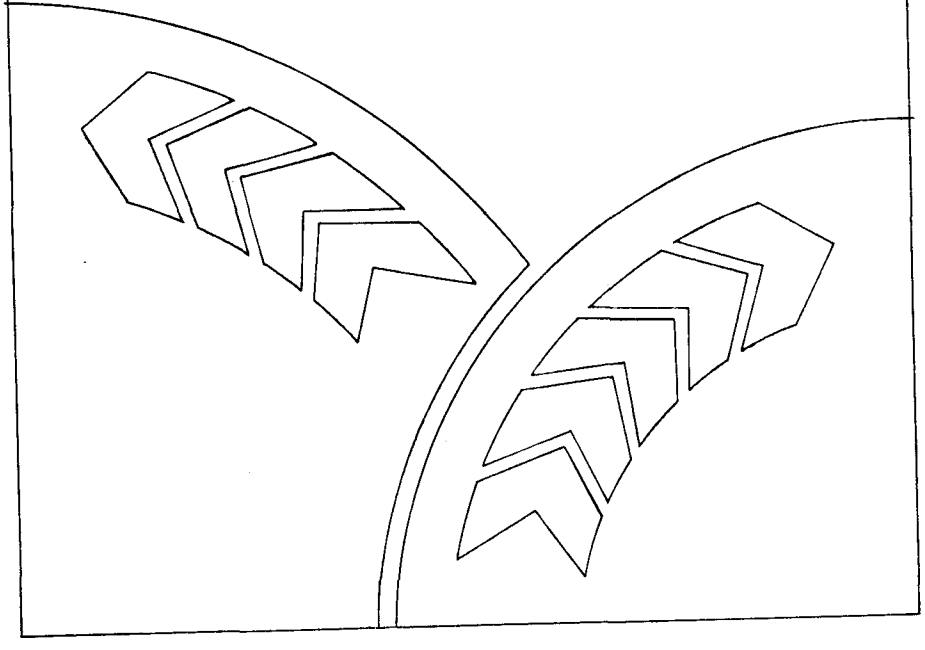
مترجم: فاطمه تقی‌زاده